گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با دکتر مهدی گلشنی

ماجرای دیوان حافظ پروفسور عبدالسلام در سخنرانی آقا

■ اولویت آموزش در مدارس باید زبان فارسی باشد
■ هویت ایرانی بسته به زبان فارسی است

مونا امیرمحمدی: رئیس گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف می‌گوید متأسفانه آن اندازه که فرهنگ غربی در ایران مورد توجه واستقبال قرار می‌گیرد، دیگر مسائل از جمله هویت ملی و زبانمان به فراموشی سپرده می‌شود. باید این نکته را مدنظر داشته باشیم که زبان پارسی از دبستان تا دبیرستان و سطوح عالی دانشگاهی به عنوان زبان اصلی ما تلقی می‌شود و بر آموزش آن باید اهتمام جدی صورت گیرد.

بحث زبان فارسی و اهمیت آن چیزی نیست که تابه‌حال نشنیده باشیم یا چیزی درباره آن نخوانده باشیم. از روزی که ایرانی به دنیا آمدیم عرق زبان فارسی همیشه در خونمان جوشان بوده است به همین مناسبت همیشه تمایل به ایرانی بودن و فارسی صحبت کردنمان به عنوان یک نماد هویتی و ملی برای‌مان وجود داشته است. با همه اینها چطور شد که بین برخی هم‌نسل‌هایمان تمایل به زبان‌های دیگر و هویت‌های دیگر ایجاد شد، حتی عده‌ای تلاش کردند زبان فارسی مادری‌شان را در حاشیه قرار داده و لهجه‌ها و گویش‌های محلی خود را در صدر قرار دهند.

در برخی دوره‌ها، طرح تدریس گویش‌های محلی و قومیت‌ها در مدارس سراسر کشور مطرح شد که البته به تصویب درنیامد. مجددا در دوره حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس‌جمهور چنین طرحی ارائه شده که البته با موافقت‌ها و مخالفت‌هایی روبه‌رو شد و هنوز تکلیفش مشخص نشده است.

استاد دکتر مهدی گلشنی، فیزیکدان و نظریه‌پرداز ایرانی، پژوهشگر، مترجم، استاد دانشگاه صنعتی شریف و عضو پیشین شورایعالی انقلاب فرهنگی، از برگزیدگان همایش چهره‌های ماندگار عرصه فیزیک و برنده کتاب سال جمهوری اسلامی است. وی کشورهای مختلفی را از آغاز انقلاب اسلامی برای بازرسی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همینطور شورایعالی انقلاب فرهنگی گشته و در همه این کشورها سری هم به کتابخانه‌های انستیتوها و مراکز رایزنی‌شان زده و معتقد است آن اندازه که باید نسبت به انتقال زبان پارسی و شناساندن آن در دیگر کشورها اهتمام نبوده که البته اکنون نسبت به قبل خیلی بهتر شده است.

وی پیش‌تر سرپرست گروه علوم پایه شورایعالی برنامه‌ریزی، فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران و عضو آکادمی علوم جهان اسلام بوده و آثاری چون «فیزیک»، «قرآن و علوم طبیعت»، «تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر» و «علم سکولار تا علمی دینی» تألیف و ترجمه کرده است و اعتقاد دارد زبان فارسی باید به عنوان زبان اصلی در مدارس و سایر مراکز آموزشی ما مدنظر قرار بگیرد و در کنار این زبان است که دیگر مباحث باید به صورت حاشیه‌ای، نه اصل مطرح شود.

■ استاد گلشنی! لطفا درباره اهمیت زبان پارسی در مقایسه با سایر زبان‌ها و همینطور گویش‌ها و لهجه‌ها توضیح دهید.

زبان فارسی، یا لااقل زبان فارسی فعلی، ما را به هزار و اندی سال پیش متصل می‌کند، زیرا عمده سرگذشت قوم ایرانی در زبان فارسی منعکس شده است. همینطور بخش وسیعی از فرهنگ فارسی در زبانمان متجلی است. در نهایت همه در محیط‌های آموزشی و غیر آن در کشورمان، عربی نمی‌دانند، همه آذری نمی‌دانند، اما همه زبان فارسی را در مدارس آموزش می‌بینند. بسیاری از معارف اسلامی از طریق همین دروس زبان فارسی در مدارس و سایر محیط‌های آموزشی به افراد یاد داده می‌شود. اخلاق و پند و اندرز و نصایح باستانی در نوشته‌های سعدی و دیگر شعرا و حکمای ما موجود است، بنابراین افراد از کودکی با زبان فارسی در ایران مأنوس می‌شوند.

■ آیا زبان فارسی در خارج از ایران هم نفوذ داشته است؟

بله! البته ما در دهه‌های اخیر از اهمیت صدور زبان فارسی غفلت کرده‌ایم؛ اوایل انقلاب بی‌همتی‌هایی نسبت به زبان پارسی صورت گرفت که البته آن هم به‌دلیل شرایط خاص کشور بود. خاطرات من درباره نفوذ زبان فارسی در خارج زیاد است. اما یک خاطره شیرین که یادم می‌آید این است که در سال ۱۹۸۲، در کنفرانسی در اسلام‌آباد پاکستان شرکت کردم. مرحوم ضیاءالحق رئیس‌جمهور وقت پاکستان آن را ترتیب داده بود و شاید یکی از بزرگ‌ترین کنفرانس‌های اسلامی بود که تابه حال دیده‌ام، چرا که اولا از همه جهان اسلام در آن شرکت کرده بودند و ثانیاً آمریکا و انگلیس و شوروی ـ پیش از فروپاشی ـ نیز در آن حضور داشتند. نکته جالب این کنفرانس، میهمانی شامی بود که در آن شرکت کردم. بنده سر میز مرحوم ضیاءالحق حضور داشتم که در آن رؤسای قوای مسلح پاکستان، رؤسای نیروهای هوایی، زمینی، دریایی و رئیس ستاد ارتش پاکستان حضور داشتند و همه آنها با من سر آن سفره به زبان فارسی صحبت می‌کردند و این برای من خیلی جالب و دوست‌داشتنی بود و میزان نفوذ زبان فارسی را نشان می‌داد.

امروز متأسفانه به دلیل تلاشی که استعمار و نقشه‌های پلید آنها می‌کند، اهمیت زبان فارسی در منطقه کم شده است، اما به هر حال من امیدوارم دوباره زبان فارسی در منطقه احیا شود.

خاطرم می‌آید سال‌های اول بعد از انقلاب از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بازدید از دانشگاه‌های اروپا مأمور شدیم. در این کشورها هنوز زبان فارسی زنده بود و در دانشگاه‌هایی چون مادرید تدریس می‌شد و حتی فرهنگنامه مشترک فارسی- اسپانیولی منتشر شده بود. متاسفانه به دلیل شرایط جنگ و گرفتاری‌های دیگر این تلاش‌ها تحت‌الشعاع قرار گرفت و زبان‌های دیگری جایگزین زبان فارسی در بعضی از این کشورها شد.

■ پس با همه تلاشی که در راستای ترویج زبان فارسی در کشورهای مختلف می‌شود و حتی فعالیت رایزنی‌های فرهنگی چرا چنین تلاشی به کمرنگی گراییده است؟

بی‌رودربایستی باید بگویم رایزنی‌های فرهنگی ما در اوایل انقلاب فعال نبودند. باید افرادی در رایزنی‌ها انتخاب می‌شدند که دغدغه این کار را می‌داشتند و از ظرافت‌های سیاسی آگاه می‌بودند، چرا که ما فعالیت‌های سیاسی را نمی‌توانیم مستقیما انجام دهیم و دولت‌های مختلف از اسلامی گرفته تا غربی نسبت به فعالیت‌های سیاسی ما حساس هستند. اما این امر نسبت به زبان کمتر است و تاریخ نشان داده زبان فارسی به راحتی در کشورهای مختلف از جمله مصر، پاکستان و هندوستان تدریس شده و این زبان وسیله‌ای بوده که ما فرهنگ فارسی را منتشر کنیم و باعث تأسف است که این تلاش‌ها تضعیف شده است.

۱۵-۱۰ سال پیش با فرهنگستان علوم ایران میهمان فرهنگستان علوم مجارستان بودیم. آنها یک بازدید از بخش شرق‌شناسی دانشگاه برای ما گذاشته بودند. خانمی که مسؤول بخش کتابخانه آنجا بود، گله می‌کرد که ایرانی‌ها به جای اینکه خودشان همت کنند و مجلات و کتاب‌ها و سایر آثارشان را برای ما بفرستند، ما خودمان مجبور هستیم هر ۳-۲ سال یک بار به ایران بیاییم و کتاب‌ها و آثار مورد نیاز مرکز را تهیه کنیم. البته شبیه این گلایه را من در سوییس نیز شنیده بودم. یادم می‌آید جایی رفته بودیم که مخصوص مسلمانان سوییسی‌الاصل بود و ما از کتابخانه آنها بازدید کردیم. رئیس این کتابخانه به من گفت ما مقدار زیادی از امکانات و کمک مالی‌مان را از عربستان دریافت می‌کنیم ولی واقعا روحمان با کشور شماست. مقدار زیادی هم از ما ایراد گرفت که کشور شما در تبلیغات ضعیف عمل می‌کند. او ضمن مطرح کردن عیاشی‌های خانواده سلطنتی سعودی، می‌گفت چرا شما کتاب‌ها و مجلاتتان را برای ما نمی‌فرستید.

بنابراین من براساس مشاهداتم باید بگویم مخصوصا اوایل انقلاب در حوزه صدور زبان فارسی ضعیف عمل کردیم. چند سال پیش در کشور آلبانی مردمشان و مخصوصا رئیس آکادمی علومشان باخوشحالی ابراز می‌کردند ۹۰۰ لغت فارسی در زبانشان دارند. بنده بلافاصله به ایران که آمدم با مرحوم دکتر حبیبی رئیس وقت فرهنگستان زبان و ادب فارسی تماس گرفتم و چنین خبری را به ایشان دادم و پیشنهاد دادم این تعداد لغت را ما از آنها بگیریم و چاپ کنیم و گفتم باید از این لغات به لطایف‌الحیلی استفاده کنیم، چرا که این لغات واقعا جزو زبانشان شده است. یادم می‌آید از این آلبانیایی‌ها که پرسیدم زبان فارسی از چه طریق وارد کشورشان شده است، آنها پاسخ دادند عثمانی‌ها، چرا که خیلی از مکاتبات عثمانی‌ها در آن دوره به زبان فارسی بوده و بنابراین زبان فارسی از طریق عثمانی‌ها وارد خاک آنها شده است همینطور میزان نفوذ زبان فارسی در هند و پاکستان نیز فوق‌العاده است.

■ متأسفانه استعمار باعث شد زبان فارسی که در هند و کشورهای دیگر رواج داشت کمرنگ شود. چرا ما در راستای تقویت زبان فارسی در این کشورها همت نکردیم؟

متأسفانه غفلت شده و این مایه تأسف است. خاطرم است یک نفر از تاجیکستان آمده بود و شعر فارسی می‌خواند، اما نمی‌توانست سخنانش را بنویسد. این بی‌همتی ما را نشان می‌دهد. من با تمام وجودم بی‌همتی در خارج از کشور نسبت به تقویت و تحکیم زبان فارسی را حس کردم، چرا که بنده در پی برنامه‌ای که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر عهده‌ام گذاشته بود با ۲ نفر از همکارانم در سال۶۲ به کشورهای اروپایی رفتیم. در این سفرها اکثر کشورهای اروپایی را سر زدیم و از بخش زبان فارسی‌شان هم دیدن کردیم. واقعا این بخش‌ها در حد شأن زبان فارسی فعال نبودند.

> **حال ما همه اینها را می‌گوییم ولی انگار مساله هویت ملی خیلی در محیط‌های آموزشی ما مطرح نیست، درحالی که برای استقلال ما مهم است. هرچه صرف زبان فارسی بکنیم کم است، چرا که این زبان یک فرهنگ غنی انسانی با خودش به همراه دارد. متاسفانه آنقدر فرهنگ غربی وارد کشورمان می‌شود که دیگر مسائل مربوط به هویت ملی فراموش می‌شود**

من دوستانی پاکستانی داشته‌ام که وقتی نشست و برخاست داشتیم، فارسی صحبت می‌کردند و غزل حافظ می‌خواندند. در کنفرانس‌های فیزیک که در ایتالیا شرکت می‌کردم، یک دوست پاکستانی‌ام مدام غزل حافظ می‌خواند. دوست پاکستانی دیگری دارم که الان در فرانسه استاد فیزیک هسته‌ای است. او هر زمان که مرا می‌بیند شعر فارسی می‌خواند و حتی خودش هم شعر فارسی می‌سراید. هر زمان که می‌خواهم در اجلاس آکادمی علوم جهان اسلام شرکت کنم چند کتاب شعر فارسی برای او می‌خرم و می‌برم.

باید سعی کنیم، خود اساتید ایرانی در دانشگاه‌های خارج از کشور نیز باید در ترویج زبان فارسی همت کنند. یکی از اساتیدمان که الان در آلمان استاد متالوژی هستند، هر زمان که به ایران می‌آیند تعداد زیادی کتاب می‌خرند و برای ایرانیان مقیم آلمان می‌برند. ما چنین همتی را از اساتید داخل‌مان نیز برای توجه به زبان فارسی می‌طلبیم. باید از وجود افرادی که واقعا ارزش و اهمیت زبان فارسی را درک می‌کنند، استفاده کنیم.

زبان فارسی برای ما حایز اهمیت است چرا که همه گذشته ما در زبانمان نهفته است. غنایی که در فرهنگمان هست، در این زبان منعکس است. فرهنگ اسلامی با ورود به ایران عمیقاً وارد زبانمان شد و حتی شعر سعدی را بر سر در سازمان ملل می‌بینیم: «بنی آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند». الان کشورهای دیگر تلاش دارند مولوی و نظامی ما را به تاراج ببرند. به‌طور مثال مولوی شاعر فارسی زبان است که تنها مرگش در قونیه بود ولی زبان شعرش گویای فعالیت فرهنگی‌اش بوده است و این بی‌همتی ما است که اجازه می‌دهیم چنین شعرایی به نام کشورهای دیگر ثبت شوند.

به یاد دارم که وقتی مرحوم پروفسور عبدالسلام در آبان سال ۶۷ برای ملاقات با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، که در آن موقع رئیس‌جمهور بودند، به شیراز آمده بود تا طی کنگره حافظ با حضرت معظم‌له ملاقات کند، ایشان دیوان حافظ خود را به همراه آورده بود که در یک طرفش غزل‌های حافظ به فارسی و طرف دیگر ترجمه آن به اردو بود. هر وقت در سخنرانی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای غزلی از حافظ خوانده می‌شد، ایشان بلافاصله دیوانش را باز می‌کرد که آن را بیابد. تعداد واژه‌های زبان فارسی در زبان اردو بسیار زیاد است و ما از طریق اشتراکات می‌توانیم در کشورهای اردوزبان نفوذ کنیم، ولی متأسفانه ما در هندوستان و پاکستان و مصر فعالیت درخوری نداشته‌ایم. البته مصر را سیاست خارجی اجازه نداد ارتباطات باقی بماند ولی ما اساتید فارسی‌زبان در مصر کم نداشتیم که می‌توانستند منشأ اثر باشند. در نهایت این نکته را تأکید کنم که همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت خارجه ما در اوایل انقلاب درباره ترویج زبان فارسی در دیگر کشورها ضعیف بود، اگرنه یکی از بهترین کانال‌ها اعمال نفوذ از این طریق بود. یکی از کشورهایی که از لحاظ سیاسی خیلی نسبت به فعالیت‌های سفارت ما حساس بودند کشور الجزایر بود ولی آنها حساسیتی نسبت به زبان فارسی نشان نمی‌دادند. در بعضی کشورهای دیگر هم وضعیت همین طور بوده است. در این گونه کشورها ما توانسته‌ایم از طریق زبان فارسی مطالب فرهنگی را منتقل کنیم.

در مالزی که بودم یک استاد سودانی به من می‌گفت در مدینه درس می‌داده و سعودی‌ها در آنجا مخالف فلسفه بودند. بنابراین او تحت عنوان درس اصول عقاید، نظرات فلسفی خودش را منتقل می‌کرده است. در یک کلام، زبان فارسی یکی از بهترین امکانات برای نفوذ ما است.

عکس: ابراهیم حیدری/وطن امروز

■ جناب دکترا! درباره تدریس زبان قومیت‌ها و گویش‌ها در مدارس کشور نظرتان چیست؟

خب! آنها هم مهم است اما یک چیز دیگر که مایه تأسف است، حساسیت کم مسؤولان ما نسبت به زبان فارسی است. شما به ترکیه که می‌روید همه جا صراحتا با ترکی روبه‌رو می‌شوید حتی در فروشگاه‌های بزرگشان شما به سختی فردی را پیدا می‌کنید که انگلیسی بفهمد. بنابراین ممکن است به دردسر بیفتید برای اینکه مطلبی را به آنها تفهیم کنید.

رهبر معظم انقلاب بارها درباره اهتمام نسبت به زبان فارسی تأکید کرده‌اند، اما ما هنوز هم بسیاری از تابلوهای فروشگاه‌هایمان به انگلیسی است. این مشکل حتی در مدارس و دانشگاه‌ها هم رسوخ کرده و عده‌ای فقط تمایل دارند مجلات علمی- پژوهشی خارجی را به رسمیت بشناسند و داخلی‌ها را قبول ندارند. برخی دانشگاه‌ها حتی اخیرا این زمزمه را شروع کرده‌اند که اگر کسی مدرکش را داخل گرفته باید یک سری هم به خارج از کشور زده باشد (!) یعنی میزان نفوذ زبان‌های دیگر تا این حد شده است و از سویی هم تدریس زبان قومیت‌ها بیش از پیش مطرح شده است!

خاطرم هست یک زمانی در شورایعالی انقلاب فرهنگی از سوی برخی دوستان دانشگاه شریف و تهران، تدریس انگلیسی در شعبه کیش این دانشگاه‌ها مطرح شد. آن زمان من بشدت مخالفت کردم. بنده همین امروز هم بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال تدریس فیزیک در دانشگاه شریف، آن را به زبان فارسی تدریس می‌کنم و پایان‌نامه‌ها را به همین زبان تحویل می‌گیرم، درحالیکه دانشجوی فیزیک ما به زبان انگلیسی مسلط است و مقالات انگلیسی را به راحتی می‌خواند و هیچ مشکلی هم ندارد. اما ما درس را سر کلاس‌ها به فارسی می‌دهیم و حتی یک مورد هم با مشکل برخورد نکرده‌ایم. متأسفانه دانشگاه‌ها خیلی حساسیت درباره ترویج زبان فارسی ندارند، در حالی که من معتقدم اگر کسی بخواهد در ایران درس بخواند، باید زبان فارسی را خوب یاد بگیرد و اگر هم می‌خواهد برای ادامه تحصیل به خارج برود باید زبان فارسی را خوب یاد بگیرد تا پیوندش با ملتش حفظ شود. آنها هم که از خارج برای تحصیل به ایران می‌آیند باید فارسی را یاد بگیرند تا با فرهنگ این کشور آشنا شوند. این کاری است که دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین انجام می‌دهد. در آنجا دانشجویان خارجی تازه‌وارد به ایران فارسی یاد می‌گیرند. یک دانشجوی خارجی مسلمان که به دانشگاه قزوین رفته و فوق لیسانس گرفته بود و سپس به دانشگاه تهران آمده بود می‌گفت، به او یک احترام ویژه‌ای در کلاس می‌گذارند به این دلیل که او از انگلیس آمده و انگلیسی‌زبان است، در حالیکه من شخصاً از فارسی صحبت کردن او لذت می‌بردم.

■ چرا چنین است؟

کم‌توجهی محیط! در حیطه آموزشی پایین‌تر از دانشگاه، من در کودکی کسانی را می‌شناختم که در کلاس سوم و چهارم ابتدایی به راحتی بخشی از گلستان سعدی را می‌خواندند. الان به یک دیپلمه بگوییم یک غزل از حافظ بخواند یا بخش کوچکی از گلستان سعدی را بخواند، نمی‌تواند و علتش کم‌توجهی محیط نسبت به زبان فارسی است. چندی پیش برنامه‌ای تلویزیونی اجرا شد که در آن از مخاطبان می‌پرسیدند این شعر «سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز» از کیست؟ هر کسی به غلط نام شاعری را برد و کمتر گفتند شاعر سعدی است(!) این نشان می‌دهد ما چقدر با ادبیاتمان بیگانه‌ایم. من باز هم می‌گویم هر وقت در سال‌های اخیر به ترکیه رفته‌ام در مکان‌های مختلف غبطه خورده‌ام. حتی در فرودگاه ترکیه کسی به انگلیسی صحبت نمی‌کند و اگر مشکلی آنجا برخورد کنیم کسی نیست به دادمان برسد. این تعصب نسبت به زبان است. خب! چرا ما در حد معقول این تعصب را نداریم و فارغ‌التحصیلان ما بیگانه با زبان فارسی هستند. البته علاقه به تعلیم دیگر گویش‌ها و قومیت‌ها در مدارس- به عنوان زبان اصلی- این مشکل را تشدید خواهد کرد.

اخیرا سر خاک باباطاهر عریان بودم. پیرمردی چند رباعی از باباطاهر را خواند چنان همه به شعف آمده بودند که گویی زمان بازایستاده بود. این قدرت جذب زبان فارسی است. متأسفانه ما دانشگاه می‌رویم یک فیزیک، شیمی و برقی یاد می‌گیریم و انگار فقط اینها جامعه انسانی را اداره می‌کنند!

■ آیا اینکه تدریس‌ها و فعالیت‌های ما در مدارس به دیگر زبان‌ها و گویش‌ها باشد، خللی در اهمیت زبان فارسی ایجاد می‌کند؟

در هر صورت باید تدریس‌ها به زبان فارسی باشد و به اندازه کافی به زبان فارسی درس داشته باشیم تا همه در فارسی مسلط شوند البته افراد می‌توانند زبان‌ها و گویش‌های دیگر را به عنوان دروس اختیاری بگیرند. بنابراین زبان درسی ما در کلاس‌های درس باید فارسی باشد. ما افرادی را داریم که آنقدر زبان انگلیسی‌شان خوب است که می‌توانند رساله‌شان را به زبان انگلیسی بنویسند ولی من همیشه صاف و صریح می‌گویم این را قبول نمی‌کنم. متن انگلیسی را بگذارید در سایت‌ها! پایان‌نامه را باید به ما فارسی تحویل دهید. حال ما همه اینها را می‌گوییم ولی انگار مساله هویت ملی خیلی در محیط‌های آموزشی ما مطرح نیست، درحالیکه برای استقلال ما مهم است. هرچه صرف زبان فارسی بکنیم کم است، چرا که این زبان یک فرهنگ غنی انسانی با خودش به همراه دارد. متاسفانه آنقدر فرهنگ غربی وارد کشورمان می‌شود که دیگر مسائل مربوط به هویت ملی فراموش می‌شود؛ از غذاهای خارجی تا دیگر امور. البته من اعتقادم این نیست که غذاهای خارجی یا چیزهای دیگر در کشور نباشد. اینها همه باشد ولی نحوه غذا خوردن و زندگی کردنمان را تحت‌الشعاع قرار ندهد.

> **برخی دانشگاه‌ها حتی اخیرا این زمزمه را شروع کرده‌اند که اگر کسی مدرکش را داخل گرفته باید یک سری هم به خارج از کشور زده باشد (!) یعنی میزان نفوذ زبان‌های دیگر تا این حد شده است و از سویی هم تدریس زبان قومیت‌ها بیش از پیش مطرح شده است!**

■ مهم‌ترین گام‌هایی که باید در راستای حفظ زبان ملی‌مان برداریم، چیست؟

نخست اینکه در دبستان تا دبیرستان این زبان فرعی تلقی نشود و بر آموزش آن اهتمام جدی باشد. من خودم در دانشگاه برکلی(درکالیفرنیا) که تحصیل می‌کردم ملاحظه می‌کردم کسانی که می‌خواستند لیسانس بگیرند باید حتما یک درس سنگین زبان انگلیسی را می‌گذراندند. من کراراً برندگان جایزه نوبل در فیزیک را دیده‌ام که از اشعار شاعرانی نظیر شکسپیر و گوته در آثارشان می‌آورند که حاکی از رجوع آنها به فرهنگ خودی است. ما هم نباید با فرهنگمان بیگانه باشیم. از یک وکیل دادگستری در یک برنامه رادیویی خواستند یک بیت شعر بخواند اما او چیزی یادش نبود، در حالی که دیپلم ادبی داشت و دوره لیسانس حقوق یک دانشگاه را گذرانده بود!

علاوه بر این امر باید در مراکز آموزشی از افرادی استفاده بشود که دغدغه‌شان زبان فارسی باشد. مشکل ما این است که خیلی از انتصاب‌هایمان براساس روابط، آشنایی و قوم و خویشی است. در سفرهای اروپایی که می‌رفتیم افرادی را می‌دیدم که به هیچ‌وجه لیاقت منصب و مقام‌هایشان را نداشتند، نه در رایزنی‌ها و نه در سفارت‌ها. البته این مربوط به سال‌های دهه ۶۰ است. در آن موقع بسیاری از آن افراد فکرشان با کارهای فرهنگی بیگانه بود و در سفارتخانه‌ها یا رایزنی‌های فرهنگی ایران کار جدی در حوزه زبان فارسی صورت نمی‌گرفت. حتی به یاد دارم در یکی از این کشورهای اروپایی، سفیر ایران در آن کشور کتاب‌های ارسالی را در یک گاراژ گذاشته بود، بدون اینکه توزیع شود!

در نمایشگاه‌های خارجی هم شرایط همینطور است بالاخره از این سو و آن سوی دنیا کسانی می‌آیند که به زبان فارسی علاقه دارند و می‌خواهند سمبلیک هم شده دو کتاب فارسی بخرند. خب! ما هم این آثار را در اختیارشان بگذاریم.

■ دیگر مشکلات بحث زبان پارسی چیست؟

متأسفانه یکی از مشکلات ما امروز عقده حقارت نسبت به غرب است. همانطور که رهبر حکیم انقلاب چند سال پیش در صحبت‌هایشان اشاره داشتند، ما عقده حقارت نسبت به غرب داریم، این عقده تا نشکند، ما موفق نمی‌شویم. من نمی‌گویم چیزهای خوب غرب را استفاده نکنیم و از اینترنت و پنکه و تکنولوژی‌شان بی‌بهره شویم؛ چرا که چنین کاری عقلانی نیست. اما نکته اینجاست که استفاده هم باید در راستای پیشرفت خودمان صورت گیرد و من این اهتمام را خیلی جاها نمی‌بینم. نفوذ فرهنگ غرب نباید به تنبلی ما بینجامد چرا که غرب کار خود را می‌کند. یک زمان به کشورها حمله می‌کرد و الان محصولاتش را با فرهنگی ارائه می‌دهد. غرب قبلا حتی در چین هم نفوذ داشت و در قرن نوزدهم یک تعداد از چینی‌ها را مبتلا به مواد مخدر کرده بود. در زمان حال چین و ژاپن در وضعیت قرن نوزدهم نیستند. آنها زنده شده‌اند و حواسشان جمع است. امروز دانشجویان آنها که به غرب می‌روند سریع دانش را یاد می‌گیرند و به کشور خودشان بازمی‌گردند. یادم می‌آید برای کنفرانسی به چین رفته بودیم. بعد از تمام شدن آن کنفرانس به ما گفتند یکی، دو روز می‌توانیم به انتخاب خود گشت‌وگذار کنیم. من بازدید از انستیتوی فیزیک پکن را انتخاب کردم. در آنجا متوجه شدم تعدادی آمریکایی چینی‌الاصل معروف هم به این انستیتو آمده‌اند. پرسیدم اینها اینجا چه کار می‌کنند، پاسخ دادند اینها سالی یکی، دو بار به اینجا می‌آیند و کمک فکری به ما می‌دهند. به جز تعدادی بسیار معدود، چند نفر از ایرانی‌های مقیم خارج در چند سال اخیر برای این تبادل افکار به ایران آمده‌اند؟ چند نفر از آنها تلاش کرده‌اند مشکلات کشور را حل کنند؟ ما باید به دانشجویانمان یاد دهیم دغدغه‌مند باشند و به کشورشان تعهد داشته باشند، به هویت ملی، استقلال و مردمشان متعهد باشند. چینی حواسش به این چیزها جمع است و چیزی را فراموش نمی‌کند.

همسر بنده یک دوست ژاپنی داشت که شوهرش آمریکایی بود. زمانی که برکلی بودیم، آن خانم ژاپنی منزل ما می‌آمد و از همسر آمریکایی‌اش انتقاد داشت و آن هم به دلیل بمباران کشورش توسط آمریکا بود. این خانم ژاپنی با ازدواج با یک مرد آمریکایی هویت خودش را از دست نداده بود. این مطلب نکته آموزنده‌ای برای ما دارد.

■ در نهایت فرهنگستان زبان و ادب در ایران چه وظیفه‌ای در راستای متعهدکردن افراد به زبان فارسی دارد و تاکنون در این راستا چه گام‌هایی برداشته است؟

فرهنگستان کارهای خوبی کرده ولی به نظر من خیلی هم بهتر از این می‌توانست باشد. امیدوارم بنیاد جدیدالتاسیس سعدی جدی گرفته شود و در آن بعضی افراد تمام‌وقت به استخدام دربیایند؛ کسانی که دغدغه زبان فارسی را داشته باشند. البته باید هرچه برای تأمین مایحتاج اینها لازم است به آنها بدهند تا در نهایت بی‌نیاز از مشاغل دیگر شوند. البته آنهایی که در رأسند ضرورتاً مشاغل دیگر نیز دارند ولی بعد از این رده دیگران باید تمام‌وقت باشند. تدریس زبان فارسی همه جا باید جدی گرفته شود. خوشبختانه مراکز خوبی هم تأسیس شده است. ما دلایلمان برای حفظ زبان فارسی خیلی بیشتر از دیگران است. در صورتی که انسان‌های شایسته اهل کار را در منصب‌هایشان بگذاریم، نه افرادی که حتی دو کلمه هم فارسی نمی‌توانند حرف بزنند، موفق می‌شویم. به‌طور خلاصه، باید بدون حساب رفاقت‌ها کار را به دست افراد کاردان داد تا در ترویج زبان فارسی موفق شویم.

مدیر کل کتابخانه های عمومی استان مازندران:

۱۰۴ باب کتابخانه در استان مازندران در حال استفاده است

به گزارش خبرنگار روزنامه وطن امروز در ساری، عبدالحسین باقری مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان مازندران در نخستین جشنواره خیرین کتابخانه ساز استان مازندران با حضور ربیع فلاح جلودار استاندار مازندران، علیرضا یونسی معاون سیاسی امنیتی استاندار مازندران، حجت السلام والمسلمین واحدی معاون مجلس، استانها و مشارکت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور با اشاره به اینکه ۲۲ نوع خدمت کتابخانه‌ای در ۱۰۴ باب کتابخانه در استان مازندران داریم.

به گزارش خبرنگار پایگاه خبری تحلیلی آرمان شمال، باقری مدیرکل کتابخانه های عمومی استان مازندران در نخستین جشنواره خیرین کتابخانه ساز استان مازندران با بیان اینکه، این جشنواره با همت شما خیرین برگزار شده و خواهد شد: جشنواره خیرین کتابخانه ساز استان نماد همدلی و هم زبانی است.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان مازندران با اشاره به اینکه ۲۲ نوع خدمت کتابخانه‌ای در ۱۰۴ باب کتابخانه در استان مازندران داریم گفت:استان مازندران نیاز به ۳۱۹ کتابخانه عمومی دارد که ۱۰۴ باب آن در حال استفاده میباشد.وی در ادامه گفت: ۵۰ کتابخانه درحال ساختمان و ۱۶۵ ساختمان باید ساخته بشود.

رئیس ستاد نخستین جشنواره خیرین کتابخانه ساز استان مازندران با بیان اینکه، عمر تعداد زیادی از کتابخانه های عمومی استان مازندران رو به پایان است گفت: عمر مفید ساختمان‌های کتابخانه‌های عمومی ۲۴ سال میباشد.

باقری در پایان گفت:۸۸ میلیارد تومان بودجه برای تجهیز،ساخت و نوسازی کتابخانه‌های عمومی استان مازندران نیازمندیم که به همت شما خیرین محترم انشاالله تامین خواهد شد.

خبرنگار غلامرضا رضایی آغوزگله

رسپینا
ارتباط ارزش‌ها
پهنای باند اینترنت اختصاصی
برای موسسات و سازمان‌های دولتی و خصوصی
پشتیبانی ۲۴ ساعته در تمام هفته

تجربه‌ای متفاوت با رسپینا

این سرویس فقط در محدوده های استان تهران
البرز و استان فارس ارایه می شود.

شرکت داده پردازی رسپینا دارای مجوزهای شماره ۱۰۵ - ۱۶ - ۱۲ استان تهران، ۱۱۱ - ۴۰ - ۱۲ استان البرز و ۱۱۶ - ۲۵ - ۱۲ استان فارس از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی می باشد

بخش فروش: ۲۳۰ ۲۳۰ ۸۴
www.respina.net

ولایت

رهبر انقلاب در دیدار اعضای ستاد کنگره بزرگداشت ۳ هزار شهید استان سمنان:

هشدار جنگ فرهنگی و اقتصادی منافاتی با آرامش ندارد

ادامه از صفحه اول

لکن مردم ما شهدا را دوست می‌دارند، به‌خاطر اینکه شهدای ما ایثار کردند، از حیات خودشان، از آسایش خودشان گذشتند، رفتند در میدان‌های نبرد و جان خودشان را تقدیم کردند. این چیز کوچکی نیست، این خیلی بزرگ است. در مقام توصیف، انسان می‌تواند حرف‌های زیادی بزند اما در مقام عمل، عمل کار همه نیست، ایمان‌های بالا، عزم‌های استوار و پولادین لازم است که انسان بتواند در این میدان وارد بشود و شهدا این کار را کردند. کاری که تا حالا کردید و گزارشش را دادید، خیلی خوب است، همین کارها کارهای خوبی است، یعنی هم ضبط خاطرات اینها و تجلیل از یاد اینها و نام اینها، ترویج تصاویر اینها یا کلماتی که از اینها نقل می‌شود، کارهای بسیار خوبی است. این فهرستی که شمردید در مورد اقداماتی که انجام گرفته، خیلی خوب است منتها هدفتان این باشد که معارف مربوط به شهادت و همان معنای ایثار و ایمان در مخاطبان امروز شما به معنای عمیق کلمه نافذ باشد.

مخاطبان همیشه یک‌جور نیستند، بله! بنده عقیده‌ام این است که جوان امروز از جوان دهه ۶۰ توانایی و همت و عزم و ایمانش کمتر نیست، این اعتقاد من است براساس آشنایی و آگاهی و گزارش و مطالعه میدان، این را عقیده داریم منتها به این توجه بشود که امروز جوان کشور ما در معرض تهدیدهای خطرناک فکری است. در دهه ۶۰ این معنا نبود، نه اینکه انگیزه نبود، انگیزه تخریب، دهه ۶۰ و امروز و دیروز ندارد، همیشه وجود داشته است و وجود خواهد داشت، [اما] ابزار این‌قدر نبود، امروز ابزارها زیاد است، امروز این وسایل ارتباطی که وجود دارد که یک حرف و یک فکر غلط را می‌تواند به شکل وسیعی توسعه بدهد، آن روز وجود نداشت، امروز در اختیار همه هست، به اینها باید توجه کرد. حالا شما اشاره کردید که در تلفن همراه فرض کنید که این اقدامات را کردید، خیلی خب! اینها خوب است، من اینها را نفی نمی‌کنم منتها نگاه کنید ببینید چه چیزی است که می‌تواند دل این جوان را درگیر کند با مساله ایمان، با مساله ایثار، پایبندی او را عمیق‌تر و وابستگی او را به این فکر مستحکم‌تر کند، این را مطالعه کنید، این چیزی نیست که به‌آسانی انسان بتواند به آن دست پیدا کند. هم مخاطب را باید شناخت که امروز مخاطبان ما ده‌ها میلیون هستند که بسیاری جوانند، اعم از آنهایی که در دانشگاهند یا در دبیرستانند یا در فضاهای دیگری زندگی می‌کنند، اینها همه مخاطبان ما هستند، هم مخاطب را باید شناخت، ظرفیت‌های او را باید دانست، هم چگونگی حرف‌زدن با مخاطب را باید یاد گرفت. این خیلی مهم است، ببینید چه چیزی را باید بگویید. شماها نیت‌هایتان خیلی خوب است، در این تردیدی نیست، هم نیتتان خوب است، هم تلاش و توانتان خوب است منتها بعضی از کارها هست که احتیاج دارد به اینکه انسان با متخصصین کار، با کسانی که در این زمینه تجربه دارند مشورت بکند، این را از یاد نبرید و ببینید چه‌جور می‌توانید، حالا فعلاً شما در محیط استان فکر کنید، ایشان فرمودند استان کوچکی است، خیلی هم کوچک نیست، یعنی از لحاظ گستردگی، استان کوچکی نیست، حالا ممکن است کم‌جمعیت باشد- خیلی پرجمعیت نیست- اما استان کوچکی نیست. مناطق این استان از لحاظ فرهنگ با هم متفاوتند، یعنی فرض کنید سمنان و شاهرود یک‌جور نیستند، شماها که اهل استانید، بهتر از من می‌دانید، من هم با استان شما آشنا هستم. شما ببینید با این مخاطبی که اهل این استان است و با تنوع فرهنگی‌ای که در استان وجود دارد، چه‌جور می‌توانید حرف بزنید و آن حرفی که باید بزنید چیست تا آن حرف تأثیر بگذارد، آن‌وقت این کنگره شما اگر این نتایج را بتواند به دست بیاورد، واقعاً یک کار برجسته خواهد شد، یعنی کار بزرگی خواهد شد. از آقایان علما استفاده کنید، از کسانی که تجربه مسائل ارتباطی دارند استفاده کنید و از بین این مسائلی که وجود دارد گزینش کنید. از هنر حداکثر استفاده را باید کرد، اشاره کردید به سرود، این خیلی مهم است. اگر بتوانید یک سرود زیبای اثرگذار خوش‌مضمون درست کنید، جوری که بچه‌ها وقتی در کوچه راه می‌روند، از خانه به مدرسه می‌روند، زیر لبشان آن را زمزمه کنند، یک کار بسیار بزرگی کرده‌اید، یعنی استفاده از هنر به شکل صحیح، این کار شما را آسان می‌کند، تسهیل می‌کند. به‌هرحال باید تلاش کرد، باید کار کرد.

کشور امروز خوشبختانه درگیر جنگ نظامی نیست اما درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است، درگیر جنگ است یعنی این را اگر کسی نداند، آن‌وقت خواب خواهد ماند، اگر کسی نداند خواب خواهد ماند. همین‌قدر که ندانید دشمن درصدد حمله است و این حمله از کجاست و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید، باید بدانید که دشمن چه‌کار می‌کند. امروز صحنه کشور این است. اینکه ما می‌گوییم «جنگ فرهنگی»، «جنگ اقتصادی»، این هیچ منافات ندارد با اینکه احساس آرامش هم در کشور بشود. ما طرفدار احساس امنیتیم، ما می‌خواهیم احساس امنیت بشود، یعنی بگیر و ببند و بزن و بکوبی وجود نداشته باشد، همه احساس امنیت بکنند، ما این را دوست می‌داریم، این منافات ندارد با آن حرفی که گفتیم که دشمن دارد به شکل ویژه ممکن با ما مبارزه می‌کند. آن شکل ویژه را باید شناخت و راه مقابله با آن را پیدا کرد، انواع و اقسام شیوه‌ها هست، منتها حالا بعضی‌ها نمی‌خواهند این را بفهمند، نمی‌خواهند باور کنند چون اگر چنانچه باور کنند تکلیف به گردنشان می‌گذارد، بعضی‌ها هم کشش آن را ندارند اما واقعیت قضیه این است یعنی امروز در زمینه‌های مختلف- همان‌طور که عرض کردیم، هم در زمینه اقتصادی، هم در زمینه فرهنگی، هم در زمینه سیاسی- یک جنگی در کشور وجود دارد. وَ اِن اَخا الحَربِ الاَرِق(۴) کسی که اهل مبارزه است بیدار است، بعد فرمود: وَ مَن نامَ لَم یُنَم عَنه(۵) اگر شما در جبهه خوابت برد، معنایش این نیست که طرف مقابل هم خوابش برده و او هم غافل است، اگر تو از او غافل شدی، نشانه این نیست که او هم از شما غافل است، نخیر! شما ممکن است خوابت ببرد، [اما] او بیدار باشد، این را باید توجه داشت، لذا عرصه، عرصه مهمی است.

به‌هرحال ما تشکر می‌کنیم از شما آقایانی که همت کرده‌اید و تلاش کرده‌اید و این حرکت را راه انداخته‌اید، ۱۰ سال هم زمان خوبی است برای یک چنین کارهای دامنه‌دار. آقای شاهچراغی اشاره کردند که ۱۰ سال است کار می‌کنید، من خوشم می‌آید از این کارهایی که با فرصت و با طمأنینه انجام می‌گیرد، اینکه حالا تَروچسب(۶) امروز تصمیم بگیریم و ۶ ماه دیگر بخواهیم راه بیندازیم، این نمی‌شود. باید با تأنی و با طمأنینه باشد، خب با طمأنینه کار را انجام دادید، ان‌شاءالله که خداوند از شماها قبول کند و موفق باشید.

پی‌نوشت

۱- پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، آقایان حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد شاهچراغی، نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه سمنان و سردار شاهچراغی فرمانده سپاه قائم آل‌محمد عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف استان سمنان به ارائه گزارش پرداختند.
۲- این کنگره در تاریخ ۱۳۹۴/۲/۱۷ در سمنان برگزار شد.
۳- این جملات به حالت مطایبه بیان شده است.
۴- نهج‌البلاغه، نامه ۶۲
۵- همان
۶- سریع، تند

یادداشت‌امروز

آل‌سعود در سراشیبی سقوط

ادامه از صفحه اول

به‌رغم مواضع اعلانی واشنگتن و ریاض در زمینه مبارزه با افراطی‌گری و گروه‌های تروریستی چون «داعش»، کارشناسان با توجه به برخی روابط آشکار و پنهان حلقه‌های درونی خاندان حاکم با سرکردگان گروه‌های افراطی از گسترش حمایت‌های عربستان از این گروه‌ها سخن به میان می‌آورند؛ اتفاقی که بر ناامنی و بی‌ثباتی منطقه به شکل چشمگیری خواهد افزود.

در این ارتباط، افزایش رویکردهای متصلّب و غیرمنطقی سعودی‌ها سطح اصطکاک و تنش را در مناطقی چون سوریه، عراق، یمن، بحرین و لبنان افزایش و منطقه را به سمت گسترش بحران‌ها سوق خواهد داد. رخدادهای اخیر در ساختار حاکمیت عربستان را از منظر «واقعگرایی راهبردی» نیز می‌توان مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

از دید برخی اندیشمندان مکتب رئالیسم همچون «توماس شیلینگ»، یکی از مهم‌ترین الزامات واقعگرایی راهبردی، انعطاف‌پذیری بازیگران جهانی و منطقه‌ای در برابر تحولات و دیگر بازیگران رقیب است. این انعطاف‌پذیری از طرقی چون باز گذاشتن مسیر عقب‌نشینی خود و بازیگر رقیب، همچنین مذاکره و امتیازدهی و امتیازگیری متقابل تامین می‌شود و از این رو هرگونه تصلّب مانعی در برابر کنشگری منطقی و قاعده‌مند در رفتارهای خارجی است.

در شرایط کنونی چینش مهره‌های ساختار سیاسی حاکم بر ریاض، رفتارهای غیرمنطقی سعودی‌ها در تقابل با جمهوری اسلامی ایران و به‌طور کلی بی‌ثباتی منطقه‌ای را تشدید خواهد کرد و به معنای خراب کردن پل‌های پشت سر و راه‌های پیش رو برای کنترل بحران‌های غرب آسیاست.

تداوم تهاجم نظامی سعودی‌ها به یمن که تاکنون هزاران کشته و زخمی از جمله شمار زیادی کودک و زن بیگناه را به دنبال داشته، از رویکرد جدید خاندان پادشاهی سعودی پرده‌برداری می‌کند. این در حالی است که به‌رغم اقداماتی نظیر مداخله نظامی در بحرین و حمایت از تروریست‌های فعال در عراق و حوزه شامات، جنایتی به این وسعت، شدت و آشکاری در کارنامه آل‌سعود طی دهه‌های اخیر بی‌سابقه است.

ادامه چنین رویکردی از دید بسیاری از صاحبنظران و کارشناسان جز به افول قدرت سعودی‌ها در منطقه و نظام بین‌الملل نخواهد انجامید. سعودی‌ها در پی این جنایتگری‌ها و تندروی‌ها جایگاه خود را در جهان اسلام از دست داده و بیش از پیش تنفر مسلمانان و افکار عمومی جهان را برخواهند انگیخت.

بالا بردن سطح تقابل با رقبای منطقه‌ای، بستن باب هرگونه تفاهم و توافق و گسترش کاربرد قدرت نظامی، مولفه‌هایی است که هزینه‌های کنشگری عربستان را به میزان کمرشکنی بالا خواهد برد. تجارب و قواعد بین‌المللی طی سال‌های گذشته نشان داده است الگوهای رفتاری سخت اینچنینی نه‌تنها اهداف و منافع تعریف‌شده را محقق نخواهد ساخت بل سبب نوعی برانگیختگی پیرامونی حول کانون ناامن‌ساز و غیرمنعطف خواهد شد.

فرجام سخن آنکه تحولات درونی عربستان سعودی جز به افول قدرت و جایگاه این کشور نخواهد انجامید و نزدیکی با آمریکا نیز نخواهد توانست جبرانی بر این افول باشد، زیرا تجربه رفتار آمریکایی‌ها نشان داده برای رهبران واشنگتن ارتباط معکوسی میان همسویی کامل و وزن و اهمیت شریکان منطقه‌ای وجود دارد.

نگاه امروز

بنگاه دروغ پراکنی انگلستان و خوش‌خدمتی به صهیونیسم

ادامه از صفحه اول

بی‌بی‌سی در خدمت صهیونیسم بین‌الملل است و موارد فوق، تنها گوشه‌ای از خدماتی است که تلویزیون دولتی بریتانیا در حمایت و سرپوش گذاشتن بر جنایات رژیم اشغالگر صهیونیستی علیه مردم مظلوم فلسطین صورت می‌دهد و «بی‌طرفی» و «رعایت عدالت» واژگان زیبایی است برای موجه کردن دروغ‌ها و اخبار نادرستی که به خورد مخاطبان داده می‌شود. تحلیل تنها یک برنامه بی‌بی‌سی و گفت‌وگوهایی که با میهمانان اسرائیلی و فلسطینی صورت گرفت، نشان می‌دهد چه دروغ‌هایی از سوی بی‌بی‌سی در حمایت از صهیونیسم گفته می‌شود. رویکرد بی‌بی‌سی فارسی نیز همین است و ظرف کمتر از یک سال، «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر جلاد و کودک‌کش رژیم صهیونیستی، ۲ بار در استودیوی خبر بی‌بی‌سی فارسی در لندن، کنار فرد وطن‌فروشی چون «نادر سلطان‌پور» نشست و به گفت‌وگو با وی پرداخت و همین‌طور دروغ گفت و مزخرف بافت، بدون آنکه از سوی مجری بی‌طرف(!) با کلمه‌ای چالشی روبه‌رو شود.

شرم بر بی‌بی‌سی!

مؤسسه خیریه غدیر
شماره ثبت ۳۲٤٨٤
شناسه ملی ۱۰۳۲۰۹۰۲۶۹۷
با هبه اموال خود برای پرداخت قرض الحسنه،تا ابد از ثواب این صدقه جاریه بهره مند شوید.

بنیاد خیریه غدیر در نظر دارد با انجام امور خیریه و پرداخت قرض الحسنه به تعظیم شعائر غدیر و نشر اندیشه و فرهنگ ولایت بپردازد.
تبرعات مؤمنین برای همیشه در خدمت اینگونه امور ارزشمند باقی خواهد ماند چرا که تنها به صورت وام در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار میگیرد.
با کمک به بنیاد خیریه غدیر اموال خود را در نشر فرهنگ ولایت و غدیر جاودان کنید.

اعضاء هیأت امناء
- حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابو ترابی فرد
- حجت الاسلام و المسلمین کاظم صدیقی
- حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی میرلوحی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان
- سید مرتضی نبوی
- حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان
- رضا مطلبی کاشانی

سامانه ارتباط پیامکی: ۱۰۰۰۰۰۱۸
نشانی تارنما: GHADEER.IR
تلفن: ۸۸۹۹۱۸۰۳ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲
شماره حساب: ۰۱۰۴۱۷۰۴۱۷۰۰۷
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۳۹۲۰۰